

پژوهشی در مکتوبات شرف‌الدین منیری

حکیمه دبیران

دانشیار دانشگاه تربیت معلم

چکیده

وجود عرفای بزرگوار پارسی‌گویی چون شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری در شبے قاره به مرور ایام موجب آگاهی عموم مردم هند و گرایش آنان به دین مبین اسلام شده است. تلفیق عرفان اسلامی و زبان فارسی در هند، ضرورت پژوهش و بحث درباره ارزش و اهمیت آثار فارسی باقی‌مانده در آن خطه و اهتمام در احیای آنها را ایجاب می‌کند. یکی از این آثار گرانقدر عرفانی «مکاتیب صدی» یا صد مکتوب شرف‌الدین است که آن را با نثر فصیح و عالمانه فارسی خطاب به مریدان خویش نگاشته است. این امر علاوه بر این که گویای بسط و گسترش عرفان اسلامی در آن خطه است، نشان می‌دهد که به شهادت آثار موجود، زبان فارسی نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در اقطار و اکناف شبے قاره هند رواج داشته و زبان مجالس وعظ و محافل ادبی و عرفانی و نامه‌نگاری‌های دوستانه و رسمی آن دیار، زبان شیوه‌ای فارسی بوده است. بررسی و تحلیل «مکتوبات» هم از جنبه ادبی و هم از لحاظ محتوا اهمیت دارد، لذا در این مقاله پس از شرح مختصری درباره احوال و آثار شرف‌الدین، به تحلیل محتوای «مکتوبات» و ارائه نمونه‌هایی از چند مکتوب پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: عرفان اسلامی هند، مکاتیب فارسی، شرف‌الدین منیری.

تاریخ پذیرش: ۸۵/۴/۲۶

تاریخ دریافت: ۸۵/۳/۲

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س، ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵

مقدمه

تفکر عرفانی اسلامی در شبہ قاره به همان اندازه قدیمی است که وجود مسلمانان در این سرزمین. اگرچه در اثر حمله محمد بن قاسم ثقی در اوخر قرن اوّل هجری (۹۲ ق.) دین میین اسلام وارد شبہ قاره شد، اما مرحله اساسی و بنیادین ورود اسلام به هند از اوخر قرن چهارم هجری با ورود غزنویان آغاز گردید. غزنویان در نتیجه فتوحات پیاپی خود راه ورود اسلام به آن سرزمین را هموار کردند. هنگامی که پادشاهان و جنگاوران مسلمان جهت تسخیر شهرها و توسعه مملکت مشغول به لشکرکشی بودند، عرفان و صوفیه توجه خود را به تسخیر قلب‌ها و گسترش بنیادهای فکری در میان مردم، مبذول داشتند (بدخشنانی، ۱۹۷۱: ۲۰۲).

بیشتر صوفیان و عارفانی که اسلام را در شبہ قاره گسترش دادند ایرانی بودند، مانند هجویری (دادتا گنج بخش) و میر سید علی همدانی. رضاقلیخان هدایت درباره میر سید علی همدانی می‌نویسد: «سنه نوبت ربع مسکون را سیاحت نمود. گویند به صحبت هزار و چهارصد نفر از اولیاء الله رسید» (۱۳۴۴: ۱۶۹).

حضور عرفای بزرگوار پارسی گویی چون شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری در شبہ قاره به مرور ایام موجب آگاهی عموم مردم هند و گرایش آنان به دین اسلام شده است. آمیختگی دین اسلام و زبان فارسی در هند، ما را بر آن می‌دارد که در حد توان به نشان دادن اهمیّت این زبان و احیای آثار فارسی باقی مانده در آن خطه پیردادیم. یکی از این آثار عرفانی با ارزش، مکتوبات صدی شرف الدین است که آن را با نشر فصیح و عالمنانه فارسی در پاسخ به درخواست حاکم یکی از قصبات اطراف میّر نگاشته است. این امر نشان می‌دهد که زبان فارسی نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در اقطار و اکناف شبہ قاره هند رواج داشته و زبان ادبی و عرفانی و نامه‌نگاری‌های دوستانه و رسمی آن دیار، زبان شیوه‌ای فارسی بوده است.

مختصری درباره احوال و آثار شرف‌الدین

«شیخ الاسلام احمد بن یحیی‌بن محمد هاشمی منیری، یکی از عرفای بزرگ شبه قاره هند و از شاعران و نویسندهای توانای ادب پارسی در قرن هشتم هجری است که در منیر از بلاد بهار^۱ پا به عرصه وجود نهاد و به شیوه اجداد^۲ خویش، به گسترش تعالیم اسلام پرداخت و پس از عمری خدمت خالصانه به دین میان اسلام در سال ۷۸۲ هجری فرمی به دیار باقی شافت و از همان زمان تربت پاکش زیارتگاه عام و خاص و آثار ارزنده‌اش روشی بخش راه سالکان شریعت و طریقت گردید (مطیع الامام: ۱۹۹۳، ۳).

ابراهیم قوام فاروقی صاحب فرهنگ فارسی ابراهیمی معروف به شرفنامه منیری^۳ حدود یکصد سال پس از رحلت این بزرگمرد اسلام و عرفان، فرهنگ ارزشمند خویش را که حاصل عمری مطالعه، مذاقه و نویسنده‌گی و شاعری بود، به نام نامی وی آذین بخشید، و در حقیقت به روح پر فتوح او تقدیم نمود. وی در مقدمه کتاب خود پس از آوردن مثنوی‌هایی در حمد باری تعالی و نعمت رسول اکرم(ص) یک مثنوی سی و یک بیتی درباره فضایل و مکارم شیخ شرف‌الدین آورده که در ضمن آن چنین می‌گوید: (دیبران، ۱۳۸۵)

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| مغیث جهان سرور منیر است | که خاک در روشه‌اش عنبر است |
| کنون روشه‌اش کعبه ثانی است | که باران برو فیض رحمانی است |
| کفیل نجات است خاک درش | خوشا آن کسی کو بُود بر سرش |
| مکاتیب او کان ایمان شمر | بُود منکر او ز کافر بترا |
| تصانیف او را همه عرشیان | بگیرند از بر پی حرز جان |
| هر آن کس که دارد توّلا بدو | رنجد گهی حق تعالی ازو |

(دیبران، ۱۳۸۵: ۶)

درباره احوال و افکار و آثار این عارف بزرگ بسیاری از مورخان و صاحبان تذکره‌ها و پژوهشگران سخن گفته‌اند که ذیلاً به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«شرف الدین در جستجوی نظام الدین اولیاء به دهلي رفت و دریافت که وی متأسفانه در سال ۷۲۵ هجری وفات یافته است، لذا مرید شیخ نجیب الدین فردوسی شد و او منصبی در نظام چشته به او عطا کرد. نامه‌های وی (مجموعه استوارت: ۴۲)، همچون خطابهایش که تحت عنوان معدن المعانی گرد آمده، بسیار (مورد توجه است و به مطالعه آن) توصیه شده است. نکات قابل توجهی از زندگی او در مراتعالمل: ۱۳؛ اخبار الاخیار: ۹۷؛ آین اکبری، ج ۲۱۹: ۲. و ترجمة بلو خمن: ۴۸ آمده است» (Rieu 1966: 492 - 493).

هدايت در رياض العارفzin در ياره وي چنزن مي نو بسد:

«شیخ از معارف اهل کمال و اعظم با افضال بوده، مکاتیش که به مخلصان خود نوشته معروف و مشهور است و فقیر تمام آن را دیده و بعد از مکاتیب شیخ احمد سرهندي^۳ بر سایر مکاتیب برگزیده، مطالب خوب و حقایق مرغوب در آن‌ها مندرج است. کتابی نیز به نظر رسید شرفنامه نام در بیان لغات، همانا از آن جناب است مربیدی به نام او نوشته است و نام آن در این مصرع موزون است: شرفنامه احمد میری.

این رباعی از اوست:

روی سیه و میو سپید آوردم
چون خود گفتی که نامیدی کفر است
چشمی گریان قدی چو بید آوردم
فرمان تو بردم و امید آوردم»
(هدایت، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

همچنین در کتاب‌های کشف‌الظنون (ج ۴)، تذکرہ علمای بھار (ص ۲۰)، لغتنامہ دھخدا، فرهنگ‌نویسی در هند و پاکستان (ص ۶۲)، فهرست ریو (ص ۴۹۲)، محبوب‌اللاب (ص ۳۶۲)، و تاریخ ادبیات در ایران و نیز تاریخ تصوّف در هند (به زبان انگلیسی) دربارهٔ وی مطالبی آمده است. اخیراً یکی از محققان پاکستان دکتر سید مطیع‌الامام، تاریخ زندگی خاندان شرف‌الدین را با عنوان «شیخ شرف‌الدین احمد بن یحییٰ منیری و سهم او در نشر متصوّفانهٔ فارسی» با استفاده از منابع و مأخذ متعدد نگاشته و آثار او را با ارائهٔ نموده‌هایم، بر شم ده است. وی انگریزه اصلی، ابن تحقیق، را مطالعه

کتاب تاریخ تصوّف تأثیر آرتور آربری (به انگلیسی) و شاهکارهای نثر فارسی معاصر

تألیف مرحوم استاد سعید نفیسی دانسته است و نظر هر دو را به اختصار بیان می‌کند:

«آربری گویید: بسیاری از شخصیت‌های بزرگ صوفیه سزاوارند که درباره آن‌ها مطالعه و تبعیق و مفصل به عمل آید و از آن میان‌اند: فرید الدین گنج شکر، نظام الدین اولیاء، نصیر الدین چراغ دهلی، بهاء الدین ملتانی، احمد یحیی منیری و محمد گیسو دراز» (مطیع الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

مرحوم سعید نفیسی درباره تحولات نثر فارسی در قرن نهم هجری قمری می‌نویسد که در این قرن اندک اندک سبک روان و ساده‌ای که در قرن‌های پیش روش اکثریت نویسندها بوده است، رها شده و نویسندها بیش از پیش گرد استعارات، کنایات و تکلفات گشته‌اند. ایشان بعضی از نویسندها مانند جامی، لاهیجی، شرف‌الدین منیری را از زمرة کسانی بر شمرده است که هنوز به سادگی و روانی در نثر معتقد بوده‌اند» (نک: نفیسی، ۱۳۶۳: ۱۵۰).

دکتر مطیع‌الامام مطالب نسبهً مستوفایی درباره نثر شرف‌الدین و ویژگی‌های آن و همچنین پیشینه نثر صوفیانه نگاشته است. از آن جمله درباره لغات و ترکیبات فارسی و عربی در مکتوبات، در بخش مختصات نثر صوفیانه گفته است:

«در مکتوبات صدی تناسب لغات عربی چنان که شمردیم، بالاتر از سی درصد است و بیشتر این لغات اصطلاحات تصوّف اسلامی است. علاوه بر این شیخ در عبارات مکتوبات خود ترکیبات عربی و آیات کلام‌الله مجید نیز آورده، و گاه آن‌ها را با عبارات فارسی بهم پیوسته است» (مطیع‌الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

نویسنده از منابع مهم این تحقیق به شرح ذیل نام برده است:

تحقیقات‌المعانی تأثیر مولانا شاه آمون (۷۸۴ق.)؛ کنز‌الانساب تأثیر عبدالرزاق فانی (۱۳۰۰ق.)؛ آثار منیر تأثیر سید محمد مرد الله منیری (۱۳۶۷ق.)؛ مطالب الطالب (شرح آداب المریدین شیخ ضیاء الدین سهروردی) تأثیر شیخ شرف‌الدین منیری؛

مناقب‌الاصحابیا تأليف شیخ شعیب فردوسی؛ مکتوبات مظفر تأليف شمس بلخی (۸۴۴ق.)؛ مونس القلوب تأليف شیخ احمد بلخی (۸۲۶ق.)؛ و منابع دیگری را که مربوط به دوره جدید است، چنین برمی‌شمارد: آثار شرف تأليف قاضی نورالحسین خان بهادر؛ وسیله شرف و ذریعه دولت تأليف سید شاه فرزند علی صوفی منیری؛ سیرت الشرف تأليف سید ضمیرالدین احمد؛ تاریخ سلسلة فردوسیه تأليف محمد معین الدین؛ اخبار‌الاختیار تأليف شیخ عبدالحق محدث دهلوی (طبع‌الامام، ۱۹۹۳: ۷۲).

ایشان همچنین علاوه بر این مأخذ به استفاده مناسب و قابل توجهی از کتابخانه بلخیه اشاره می‌کند که در اثر الطاف صاحب سجاده خانقاہ بلخیه فردوسیه در پتا برای وی میسر گردیده و به پر بارترشدن اثر مورد نظر افزوده است.

آثار شیخ شرف‌الدین احمد منیری عبارتند از:

۱. صد مکتوب (مکتوبات صدی یا صدگانه)؛ تدوین زین بدر عربی - ۷۴۷ق. این اثر در همین مقاله معرفی می‌شود.
۲. دویست و چند مکتوب؛ تدوین اشرف بن رکن - رمضان ۷۶۹ق. اسمامی برخی از مخاطبان وی از این قرار است: قاضی شمس‌الدین، مولانا کمال ستتوسی، شیخ مغربی، امام تاج‌الدین، فیروز شاه شیخ محمد ظفرآبادی معروف به دیوانه، امام سلیمان، مولانا مظفر.
۳. ۲۸ مکتوب (مکتوبات بست و هشت)، تدوین شیخ حسین بلخی، ۸۰۳ق.
۴. فوائد رکنی، خلاصه‌ای از سه مجموعه مکتوبات است که به درخواست رکن‌الدین زائر‌الحرمین نگارش یافته است.
۵. رسائل مگیه: بحث درباره ذکر و مراقبه.
۶. معدن‌المعانی، گردآورده استاد زین بدر عربی، ۱۵ شعبان ۷۴۶ه.ق.
۷. تحفه غیبی (ملفوظات سال‌های ۷۵۹ تا ۷۷۰ه.ق). جامع آن زین بدر عربی است.
۸. عقاید شرفی: درباره عقاید اهل تصوّف.

۹. اجوبه در پاسخ سؤالات زاهد بن محمد بن نظام و دوستان دیگر. این مجموعه سؤال و جواب درباره اهم مسائل تصوّف ظاهرًا بعد از سال ۷۶۶ تنظیم شده است.
۱۰. خوان پر نعمت، گردآورده زین بدر عربی، ۷۴۶ تا ۷۵۱ ق. (ظاهرًا ضمیمه معدن المعانی است).
۱۱. شرح کتاب آداب‌المریدین حضرت ضیاء‌الدین نجیب شهروردی؛ این اثر را به درخواست یکی از یاران خود به نام قاضی اشرف در ربیع الاول ۷۶۵ ق. شروع و در ذی‌الحجّه ۷۶۶ ختم نموده است.
۱۲. ارشاد الطالبین: رساله‌ای است در بیان هدف و غرض طالب.
۱۳. ارشاد السالکین: (درباره مسئله وحدت وجود)، تاریخ تألیف معلوم نیست.
۱۴. لطایف المعانی: خلاصه معدن المعانی.
۱۵. مخّ المعانی، گردآورده شهاب‌الدین عmad حالفی است. تاریخ تألیف آن معلوم نیست (احمد، ضمیر‌الدین، ۱۹۲۲: ۳۲۸ و مطبع الامام، ۱۹۹۳: ۷۲) ویژگی‌های صد مکتوب (مکاتیب صدی) مکتوبات صدی که یکی از معروف‌ترین آثار شیخ شرف‌الدین منیری است در حدود سال‌های ۷۴۱ تا ۷۴۷ ق. بنا به تقاضای یکی از مریدانش به نام قاضی شمس‌الدین نوشته شده که بعداً توسط یکی از مریدان خاص وی به نام زین بدر عربی^۰ تدوین گردیده و طی قرون مختلف نسخ بسیاری از آن به رشته تحریر در آمده است و در کتابخانه‌ها و گنجینه‌های گوناگون دستنویس‌های فارسی نگهداری می‌شود. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران یک نسخه با نام مکتوبات شیخ شرف‌الدین یحیی منیری به شماره ۱۳/۱۸ و نسخه دیگری با عنوان مکاتیب شرف‌الدین احمد منیری در مجموعه شماره ۲۶۶۳ وجود دارد که دارای ۲۳ مکتوب از مکاتیب صدگانه و فاقد مقدمه زین بدر عربی گردآورنده مکتوبات است. نسخه‌ای دیگر حاوی ۹ مکتوب که ظاهرًا از مکاتیب بیست و هشت گانه است در مجموعه شماره ۲۷۸۴ وجود دارد.

نگارنده این سطور برای مطالعه و تحقیق از دو نسخه چاپ سنگی مربوط به سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۹۱۱ میلادی استفاده کرده است که در کار مقابله به ترتیب با نشانه الف و ب به آن‌ها اشاره شده است.

نسخه الف: به شماره ۴۸۷۷۶ متعلق به کتابخانه بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تهران است، که دارای ۴۰۰ صفحه ۲۱ سطري با خطی خوانا و شامل صد مکتوب کامل است. در این نسخه حاشیه‌هایی دستنویس به زبان اردو به عنوان خلاصه یا نشانی‌هایی فهرست‌گونه از مطالب مندرج در صفحات نوشته شده است، مانند: فضل صحبت، دائم الوضو، کم کهنا (کم گفتن)، کم سونا (کم خوایدن)، کم کهانا (کم خوردن).

نسخه ب: به شماره ۸۹۱/۵۵۶۸ - م - متعلق به کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی واقع در تهران است، دارای ۳۰۰ صفحه ۲۳ سطري به خط نستعلیق و شامل صد مکتوب کامل است. این نسخه غیر از یکی دو مورد فاقد حاشیه است. در متن اشتباهات نوشتاری بسیاری مشاهده می‌شود.

در هر دو نسخه عنوانین هر مکتوب درشت‌تر و پررنگ‌تر نوشته شده است و آیات و احادیث و گفتار بزرگان با ارائه خطی افقی در بالای آن‌ها مشخص شده است.

آغاز کتاب و انگیزه نگارش و محتوای نامه‌ها

در آغاز کتاب، مقدمه مبسوطی از گردآورنده آن زین بدر عربی وجود دارد که نشانگر مقام والای عرفانی او و تبحر در نویسنده‌گی و آگاهی به تعالیم اسلامی است، پس از حمد باری ارادت خالصانه خود را به پیامبر اکرم (ص) و عترت (ع) و یاران آن جناب و علمای اسلام بدین‌گونه اظهار می‌دارد:

«صد هزاران افضل صلوات و اکمل تحیات بر جان پاک آن سرور عاشقان و تاج سر عارفان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم باد که کسوت نبوت در بر اینیا به طفیل او زیبا آمد و خلعت ولایت بر تن مبارک اولیا به صدقه او چست گشت. [اگر] او نبودی که بودی، نه فلك بودی نه ملک، اگر او نیامدی که آمدی، نه آدم

آمدی نه آدمی. رسولی که به مکان لامکان در مقام قرب و کرامت صد هزاران هزار تشریف محرومیت بی اطلاع ملکی و نبیی و مرسلی و ولیی بر قامت مبارکش ارزانی فرمود و خیمه جلالت وی را در صحرا وجود کون نصب کرد و در بارگاه کوئین وجود مخلوقات را خدم او ساخت. و نفحات فیضان تسليمات بر آل و اهل بیت و باران او که هر یک پیش آن بدر منیر ستارگان ڈرافشان و سیارگان نورافشان بودند. و بر علمای طریقت و بلغای حقیقت که میراثداران اویند، خصوصاً الطاف نعم مشاهده و اصناف شیم مکاففه از جناب ازل و از درگاه لمیزل نثار وقت "مولانا و مخدومنا و استادنا و شیخنا و مرشد الانام الی طریق الله العلام، قطب العارفین شرف الحق والحقيقة و الهدی و الدین احمد یحیی مُبَرِّی" متّع المسلمين بطول بقائه و ادام علی المؤمنین نعمة لقائه، متواتر و متوالی باد» (منیری، ۱۹۱۱: ۲).

زین بدر عربی درباره انگیزه نگارش مکتوبات می‌گوید:

«قاضی شمس الدین حاکم قصبه "جوسر" که به سبب موافع روزگار توفیق حضور در مجلس شیخ را نمی‌یافت بکرات درخواست می‌نمود که حضرت شیخ در هر بابی از علم سلوک و مراتب و مقامات عرفان چند سط्रی جهت ارشاد و تعلیم او به رشته تحریر درآورد و توفیق چنان دست داد که مجموعه مکتوبات شیخ شرف الدین به بهانه ارسال به حضور قاضی شمس الدین تو سط خادمان حاضر در جلسات بدین ترتیب مرتب گردید تا مورد استفاده تمامی طالبان اسرار واقع شود» (منیری، ۱۹۱۱: ۳).

عنوان مکتوبات به ترتیب از مکتوب اوّل تا صدم به اختصار چنین است:

توحید - توبه - خشنود کردن خصمان - پیر - ارادت - ولی - ولایت - کرامت -
کفایت مهمات - انوار - کشف - تجلی - وصول سالک و مجدوب - سالک - مرض ظاهر
و باطن - فضل انسیا بر اولیا - زلّات انسیا علیهم السلام - تصوّف - شریعت و طریقت -
شریعت و حقیقت - متابعت رسول علیه الصلوٰة و السّلام - طهارت - نیت - نماز - روزه -
حج - دعا و دعای برآمدن حاجات - عبادات - بندگی کردن - کلمه طبیه - ایمان عریان -
صدق ایمان - شکر سلامت - شرک خفی - معرفت - متابعت اولیاء - محبت و عشق -

طلب حق - طریق الى الله - گفت و رفت - همت و دعا که بعد از فریضه بخواند - تحریص مرید و تحریص بر علم - اوّل مرتبه مرید - احوال مسلمانی و در ذکر نفس - اخلاق حمیده - تفکر - تجرید و تفرید - تقوی^۱ - صدق - نسبت - گمان نیک - معاد - تعلق به اسباب و ترک آن - صحبت با این طایفه - خدمت - پاکیزه گردانیدن اخلاق مذمومه - ذکر طمع، و نماز حاجات - تفسیر دنیا - در ترک دنیا - سعادت و شقاوت - سرّ شب قدر - خوف و رجا - روح - دل - نفس - هوا - ریاضت نفس - مجاهدت و سیاست نفس - هجران نفس - با خود ساختن - تفاوت اقدام - غفلت - حسرت - معالجت و نماز برآمدن مهمات و ادعیه - لباس - ملامت - سماع - عزلت - حکم جُدا شدن از خلق - چله - مرگ - وعده و وعید - دوزخ - بهشت (منیری، ۱۹۱۱: ۳-۵).

شیوه نگارش مکتوبات

با توجه به این که هدف اصلی شرف الدین در نگارش مکتوبات، ارشاد مخاطب و گسترش تعالیم شریعت و تبیین مقامات طریقت است، با انتخاب گزیده‌هایی از تفاسیر و ادعیه و رسالات عملیه و امّهات کتب صوفیه پیش از خویش چون کشف المحبوب هجویری و مرصاد العباد نجم رازی، همراه با تشریح و تمثیل و ذکر حکایاتی از بزرگان هر مکتوب را ظاهرًا به مخاطب واحد، و در حقیقت به عموم طالبان اسرار می‌نگارد. لذا عبارات اگر چه مزین به آرایه‌های ادبی و مؤید به آیات قرآن و احادیث است، با نثری ساده و روان، قابل درک و فهم نوشته شده است. بیشتر آیات و عبارات عربی بدون ترجمه فارسی، با شرحی مناسب یا بیان نتیجه مفهوم آن آمده است. مانند: «لا يزال العبد يتقرّبُ إلَى النَّوَافِلِ حتَّى أحبَّتْهُ فَإِذَا أحبَّتْهُ كُنْتُ لَهُ سَمِعًا وَ بَصَرًا وَ لسانًا» (الحدیث). چون خداوند بنده را دوست دارد با او همان کند که مادر مهریان با فرزند طفل خود کند، از هلاکش نگاه دارد و مصلحت وی بی گفت وی بر وی نگاه دارد» (همان، ۹).

وجود ویژگی‌های نثر کهن نیز از روانی آن نکاسته است: «پس بسیار کس را اینجا قدم بلغزیده است جز به مدد توفیق و عنایت ازلی و به بدرقه پیر رسیده و صاحب دیده

شده، از فراز و نشیب این راه گذشته و شربت قهر جلال و لطف جمال چشیده، این بادیه را کسی قطع نتواند کرد» (همان، ۱۰۱).

شرح و تفصیل عبارات و تقسیم و تشقيق، اگر چه جمله‌ها را طولانی می‌کند ولی در شناخت صاحبان هر مقام و آشایی بیشتر با اصطلاحات عرفانی بسیار مؤثر است: «رونده‌گان در این مقام (فناه) متفاوت باشد: کس باشد که در هفته یک ساعت بدین حضرت بار یابد و کس باشد که هر روز یک ساعت، و کس باشد که دو ساعت، و کس باشد که بیشتر اوقات مُستغرق باشد و دیگر بعد ازین چهار درجه الفَنَاءِ عَنِ الْفَنَاءِ گفته‌اند و آن آنست که از کمال استغراق احساس رونده را به فناء خود و آگاهی او از فناء خود، و دانستن او که این در یافتن سلطان ظهور جمال و جلال است به یک صدمه به کتم عدم برد و همه ازو نیفتد، زیرا که دانستن رونده این همه در نظر اهل طریقت اشارت به تفرقه می‌کند «عين الجمع» و «جمع الجمع» اینجاست، که خود را و کل کائنات را در نور ظهور حق گم کند، و آگاهی خود از این گم کردن هم گم کند.

تو در او گم گرد توحید این بود گم شدن گم کن که تفرید این بود
نه اسم است اینجا نه رسم، نه وجود نه عدم، نه عبارت است اینجا نه اشارت، نه عرش است در این عالم نه فرش، نه اثر است در این دیار نه خبر، کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانِ جَزْ
در این مقام جلوه نکند، و كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ جَزِ اینجا پیش روی ننماید، آنَا الْحَقُّ و سُبْحَانِي و رَأْيِ اینجا نشان نکند، بیش نگوید و توحید بی شرک مطلق که
شنیده‌ای، جز در این دارالملک صورت نبند» (منیری، ۱۹۱۱: ۷).

بدون تردید شیخ شرف‌الدین منیری به هر دو زبان فارسی و عربی تسلط کامل داشته و با مهارت متن مکتوبات را به صورت آمیخته‌ای از عبارات فارسی و عربی پرداخته است. در نمونه‌های بالا مشاهده می‌شود که گاهی آیه یا عبارت عربی در نقش یکی از اجزای جمله آمده است.

استشهاد به آیات قرآن

بعضی از آیاتی که شرف الدین برای تأکید نظر خود در مکاتیب به آنها اشاره کرده است:

- «الهَيْكُم التَّكَاثِر» (آية ١ سورة تكاثر) - «رَبَّنَا ظَلَّمَنَا أَنفُسَنَا» (آية ٢٣ سورة اعراف).
 - «مَلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيم» (آية ٧٨ سورة حج) - «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الْذُّلُّ» (آية ١١١ اسراء).
 - «إِنَّ صَلَوَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (آية ١٦٢ سورة انعام).

نمونه استناد به احادیث

در حدیث آمده است: «لو لم تذنبوا لذهب الله بكم و لجاء بقوم يذنبون فيستعفرون الله فيغفر لهم»^۶ (اگر شما گناه نمی کردید حق تعالی قومی دیگر آوردی تا ایشان گناه کردندی، پس یامرزیدی ایشان را)، جمله عاصیان و گناهکاران عالم را این بشارت

پسنده است:

- بعد از نام خدای متعال ترکیبات عربی: «عَزْ وَ جَلْ»، «تعالیٰ»، «ربُّ الْعَزَّةِ»، «جلٌّ جلاله».

- پس از نام پیامبران عباراتی چون: «عَلَيْهِ السَّلَامُ»، «عَلَىٰ نَبِيِّنَا وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»، «انبیا عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ»، «پیغمبران صلوات الله عليهم اجمعین».

- درود بر پیامبر اکرم (ص) را همراه با درود و سلام بر خاندان مطهر او و برای اولیاء (ع) و صحابه و بزرگان جمله دعایی آورده است:
«حضرت رسالت صَلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، «سلطان انبياء و اولیاء صَلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَآلِه وَسَلَّمَ».

- «امیر المؤمنین علی، رضی الله عنہ»، «ابویکر و عمر، رضی الله عنہما»، «مشايخ، رضوان الله علیهم».

شیخ شرف‌الدین در همه مکتوبات از مخاطب، با عنوان برادر اعزّ یاد کرده و گاه با افزودن ضمیر اضافی «م» به موصوف، برادرم اعزّ آورده است. هیچ‌یک از القاب و عنوانی، تصنیعی یا اغراق‌آمیز نیست. بیشتر جنبه دعایی دارد، مانند:

- «برادر اعزّ شمس الدین اکرم‌الله بداند که...» در مکتوب دوم با عنوان توبه.

- «برادر اعزّ شمس الدین شرفه الله فی الدارین...» در مکتوب چهارم با عنوان در طلب پیر.

گاه دعای مخاطب متناسب با عنوان و محتوای مکتوب است، مانند:

- «برادرم اعزّ شمس الدین اکرم‌الله بکرامة التائبين» در مکتوب چهارم با عنوان (تجددید توبه).

- «برادر اعزّ شمس الدین زینه الله بلباس اولیائه و احبابه» در مکتوب نود و یکم با عنوان "لباس".

توصیه‌های دینی، اخلاقی، و عرفانی شرف الدین

- «بسم الله الرحمن الرحيم. مکتوب هفتم در "ارادت": برادرم شمس الدین بداند که ارادت خواست دل است که اندیشه به چیزی متعلق گردد و از آن اندیشه جنبشی در دل پدید آید که بدان جنبش نیت طلب آن چیز خیزد و هر چند مراد شریف‌تر ارادت بهتر و نکوتر و حقیقت ارادت خواست محض است و مجرد از شوائب اغراض و پاک از تغییر پذیرفتن و ممتنع گشتن به اسباب و منقطع شدن از اغراض تا جز حضرت الهیت باز نایستد. مثنوی:

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| تا بهشت و دوزخت در ره بود | جان تو زین راز کی آگه بود |
| چون برون آئی از آن هر دو مقام | صبح این دولت برون آید ز شام» |
| (منیری، ۱۹۱۱: ۲۱) | (منیری، ۱۹۱۱: ۹۴) |

- «مکتوب سی و پنجم در "گزاردن حج": برادرم شمس الدین سلمه الله تعالی بداند که حج عبادت بدنی است و مالی است و این طائفه را در حج سرّها و کارهاست و به حقیقت زیارت کننده کعبه معظمه چون زیارت کننده خداوند است جلّ و علا» (منیری، ۱۹۱۱: ۹۴).

- «نماز گزار در حالت گزاردن نماز فانی الصفت باشد و فانی الصفت را التفات به غیر ممکن بود، چنان که امیر المؤمنین علی (رضی الله عنہ) در نماز بود پیکان از ران بر کشیدند او را خبر نبود زیرا که در استغراق مشاهده محبوب از اوصاف خود فانی شده بود، فانی الصفت الم جراحت کی یابد؟»

- «مکتوب سی و ششم در "دعا و خواندن سورت‌ها برای کفایت مهمات": برادرم اعز شمس الدین اجاب الله دعاءه، بداند که مردمان را اختلاف است که دعا کردن اولی تر یا خاموش بودن در تحت جریان حکم اولی تر بعضی گویند که دعا در نفس خویش عبادت است چنان که فرمود: الدّعاءُ مُخْ العبادة» (منیری، ۱۹۱۱: ۲۱).

«و در خبر است از سید عالم (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرموده است: به خدای که نفس من به ید قدرت اوست که بنده هر آئینه خواند خداوند را و او بدان بنده غضبان باشد، اعراض کند از وی، پس دیگر بار بخواند پس اعراض کند از وی، پس سوم بار بخواند، حق سبحانه و تعالی به ملائکه ندا کند که سر باز زند بنده من از آن که خواند غیر مرا، به درستی و راستی که اجابت کنم مر او را. از خواجه یحیی معاذ رازی (رحمه اللہ علیہ) آورده‌اند که در مناجات خود گفتی الهی چگونه خوانم تو را و من عاصی‌ام و چگونه نخوانم تو را و تو کریمی.

خداوندا امید ما وفا کن دلم را از کرم حاجت‌روا کن

منور دار جانم را به نوری دلم را زنده گردان از حضوری»

- «اگر کسی را حاجت بود میان سنت باudad و فریضه چهل و یکبار سوره فاتحه بخواند و برای دفع شر سوره تبت یدا هزار بار بخواند و به امید قضای حاجت سوره انعام چهل و یک بار خواندن آمده است و سوره اخلاص هفت هزار بار آمده است و به جهت دفع خصم سوره نوح هزار بار آمده است» (منیری، ۱۹۱۱: ۹۹).

نمونه دعا‌هایی که در متن مکاتیب آمده است

- «الهی ان لم ترحمنی فارحم عربتی» (اگر بر من نبخشی برین آب چشم من ببخشای).

اساره به گفтар بزرگان

- «ما اتَّخَذَ اللَّهُ وَلِيًّا جَاهِلاً، گفته مشایخ است».

- «نقل است که خواجه مشاد دینوری^۷ رحمة الله عليه را مریدی دعا کرد و گفت بار خدایا بر مشاد بیخشای و بهشتش کرامت کن. خواجه مشاد چشم بگشاد و گفت: ویحک! سی سال است تا بهشت بر ما عرض می‌کنند، به گوشۀ چشم ننگریستم».

استفاده از اشعار فارسی و عربی

- * توحید نه کار آب و خاک است آن در دل صاف و جان پاک است
- * کی بود تو ز ما جدا مانده من و تو رفته و خدا مانده
- * ذا ذَهَبَ الْعِتَابُ فَلَمَّا يَسَّرَ وَدَ
یَقَّى الْوُدُّ مَا بَقِيَ الْعِتَابُ

و یک نمونه از حکایاتی که در ضمن مکاتیب آمده است

«حکایت است که مردمان بصره به طلب باران بیرون آمده بودند و دعا و زاری کرده هیچ باران فرو نمی آمد، مردی از راه در آمد، جماعتی انبوه دید دستها برداشته و چشمها گشاده و زاری می کنند، او را شفقتی پدید آمد. گفت الهی به حق آن سری که در دیده من است باران فرستی. در حال باران باریدن گرفت، مردی از آن جماعت که آن لفظ از او بشنیده، اجابت در حال دید، بر اثر وی برفت تا به منزل رسید. گفت ای شیخ از تو درخواستی دارم. گفت: بگو. گفت: این چه سر است که در دیده تست؟ به مجرّد شفیع آوردن باران آمد! گفت: این دیده من «بایزید» را دیده است. تا بدانی که خاک قدم ایشان تویای دیده هاست و زبان ایشان چون باران بهاری همه حیات، چنان که باران بهاری زمین مرده را همه کسوت حیات پوشاند و زمین خارستان را گلستان کند، همچنین سخنی که از زبان ایشان بیرون آید همه دل های مرده را زنده کند و نشان گفت پاک این بود».

در خاتمه باید اذعان داشت که نشر روان و گفتار شیوه ای شرف الدین و تلفیق بی تکلف حقایق شریعت و دقایق طریقت، خواننده را به ادامه مطالعه و دقت در لطایف نکات مکتوبات تشویق و تحریض می کند. در صورت مطالعه و تحقیق گسترده در آثار گوناگون وی با شیوه نثر او که بسیاری از عباراتش طرز بیان و کلام نجم رازی در مرصاد العباد را به یاد می آورد و در توضیح و تشقیق و تقسیم اصطلاحات، شیوه مبتدی در نگارش کشف الاسرار را تداعی می کند، بیشتر آشنا می شویم.

بی شک تصحیح و تحشیه تمامی مکتوبات برای همه پژوهشگرانی که درباره متون عرفانی یا سبک نگارش مکتوبات، و نکاتی از قبیل آرایه های لفظی و معنوی، تکرار

بعضی از ارکان جمله، مصدر مرخّم به جای اسم مصدر، ساخت فعل ماضی از بن مضارع و نیز تطابق صفت و موصوف، و به طور کلّی نکات دستوری و نگارشی آن تحقیق کنند، مفید خواهد بود.

پی‌نوشت

۱- بهار: نام خطه‌ایست در هندوستان و مأخوذه از کلمه «وہار». (لسان الشّعرا و حاشیة آن). در مجتمع الفرس بیت ذیل از امیر خسرو درباره ولایت بهار هندوستان آمده است: گرانی سپهش بس که سوی شرق افتاد / فرود گشت بهار و بلند شد غزنین. بتخانه چین و آتشکده ترکستان - خانه طلاکاری و منقش بود - بت رانیز گفته‌اند که به عربی صنم خوانند و به کسر اول نام ولایتی است در هندوستان (برهان قاطع). سانسکریت Vihara به معنی دیر (بتخانه). رک: نوبهار و مزدیستا ۳۲۵. اما بهار چین یا بهارخانه چین و یا نگارستان چین و یا بهارستان ظاهراً همان بهشت گنگ است که برخی از شعرای ما آن را بتخانه پنداشته‌اند. رک: بهشت گنگ. (حاشیه برهان قاطع، به تصحیح دکتر معین).

ایالت بهار = بیهار (که در بهار سال هزار و سیصد و هشتاد و یک هجری شمسی میزان سمینار سالانه استادان فارسی بود)، در شرق هندوستان قرار دارد که مرکز آن «پتنا» است. رود گنگ نیز از آن می‌گذرد. در حدود صد کیلومتری جنوب پتنا نیز منطقه‌ای به نام «بهار» وجود دارد که دانشگاه بوداییان به نام «نالاندا» متعلق به قرن پنجم تا یازدهم میلادی در آنجا واقع است. اکنون با مشاهده بقایای این دانشگاه معلوم می‌شود که بتخانه بزرگ و صومعه‌های متعددی علاوه بر کلاس‌ها و تالارهای مختلف دانشگاه وجود داشته است. توضیح این که «بهار» را به معنی جای دانش و «نالاندا» را نیز به همین معنی یا به قولی به معنی جایی که گل نیلوفر می‌دهد گفته‌اند. در حدود ده کیلومتری همین منطقه، شهر «بهار شریف» قرار دارد که بارگاه عارف مشهور و مراد صاحب این فرهنگ یعنی «شرف‌الدین احمد بن یحيی منیری» است و در تاریخ فوق‌الذکر توفیق زیارت‌ش برای این جانب حاصل شد. آرامگاه مادر آن بزرگوار و تنی چند از خاندان وی و نیز مزار «ازین بدر عربی» گردآورنده مکتوبات شرف‌الدین در همان بارگاه است، بهار شریف زیارتگاه عموم مردم و محلی جهت بحث و تحقیق درباره عرفان و ادیان است. لذا می‌توان گفت بهار یا «بهار شریف» حدود یکصد کیلومتری شهر پتنا در ایالت بهار هند قرار دارد.

- ۲ - امام محمد تاج فقیه هاشمی مروج دین مبین اسلام یکی از اجداد شرف‌الدین است که در تاریخ ۷۷ رجب ۵۷۶ هجری تعلیمات روحانی خویش را در *منیر آغاز نمود*. (مطیع‌الامام، مقدمه: ۳). امام محمد تاج فقیه در سال ۵۷۶ ق. از قدس خلیل به قصبه منیر از توابع پتنای تشریف آوردنند... (قاسمی، ابوالکلام، تذکرۀ علمای بهار، شعبه نشر و اشاعت جامعه اسلامیه قاسمیه، پته، ۱۹۹۵).
- ۳ - فرهنگ «شرفنامه منیری» از ابراهیم قوام فاروقی، فارسی به فارسی است و تعدادی لغات ترکی دارد. مؤلف این کتاب، از مریدان شرف‌الدین منیری (۷۸۲) بوده و کتاب را به اسم او نامیده است. «در این لغتنامه معانی کلمات به تفصیل بیان شده و از شعرای معروف شواهد کافی ذکر گردیده است. کتاب شرفنامه دارای چندین باب و هر بابی شامل فضول است و در آن کلمات را به ترتیب حروف اول و آخر آن‌ها تنظیم نموده‌اند. معانی کلمات ترکی نیز در آخر هر فصل داده شده است» (فیضی، ۱۳۳۷: ۵) مقدمه دکتر محمد باقر).
- ۴ - شیخ احمد سرهندي معروف به مجلاد الف ثانی (احیاگر هزاره دوم) که منتخب مکتوبات وی توسط اقبال آکادمی پاکستان به چاپ رسیده است، از عرفای اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم است. بنابراین مقصود مؤلف ریاض العارفین برتری و مزیت مکتوبات سرهندي بر مکتوبات شرف‌الدین است در حقیقت تقدّم فضل او را اشاره کرده نه تقدّم زمانی. اینک نمونه‌ای از نثر شیخ احمد سرهندي: «این جا دقیقه‌ایست، باید دانست که همچنان که در حصول نفس ولايت مر ولی را علم به ولايت خود شرط نیست - چنان که مشهور است - علم به وجود خوارق خود هم شرط نیست، بلکه بسا است که مردم از وی خوارق نقل کنند او را از آن خوارق اصلاً اطلاع نه، اولیائی که صاحب علم و کشف‌اند جائز است که بر بعضی از خوارق خود اطلاع پیدا نکنند بلکه صور مثالیه ایشان را در امکنه متعلّده ظاهر سازند و در مسافتات بعیده کارهای عجیبه و غریبیه از آن صور به ظهور آرند که صاحب آن صور را از آن‌ها اصلاً اطلاع نیست - از ما و شما بهانه بر ساخته‌اند».
- ۵ - نمونه‌ای از نثر زین بدر عربی در مقدمه مکتوبات صدی: «اما بعد حمد و درود می‌گوید بند ضعیف زین بدر عربی که چون قاضی شمس‌الدین، کرات و مرات عرایض رفع کرد که در هر بابی از علم سلوک بر قدر فهم این بnde اگر چیزی در قلم آید حظی و نصیبی از آن برگیرد، بنابراین ضرورت چندگان سطر بر قدر حصول حاجت و بر آمدن سؤال سائل بندگی مخدوم عظمه الله از مراتب و مقامات سالکان و احوال و معاملات مریدان از توبه و ارادت و توحید و معرفت و عشق و ... به قلم شفقت در تحریر آورد و به اوقات مختلفه از خطه «بهار» صانها لله تعالی عن البوار در شهر سنه سبع و اربعين و سبع مئه بر سائل مذکور فرستادن فرمود، تا باشد که روزی و وقتی توفيق رفیقشان

گردد و به عمل مفرون گردانند و طالبان اسرار و صادقان روزگار سرمایه از این برگیرند و آن را سعادت ابدی و دولت سرمدی تصوّر کنند و سبب ترقی درجات آنجهانی و مونس روزگار اینجهانی پندراند وبالله التوفيق» (سرهندي، ۱۹۸۴: ۱۶۰).

۶- در کشف الاسرار بدین صورت آمده است: لو لم تذنبوا جاء اللہ بقوم يذنبون کی یغفر لہم (ج ۸، ۴۴). و در تعلیقات گلشن راز (تصحیح بزرگ خالقی و عفت کرباسی) چنین آمده است: این حدیث پیامبر(ص) با تفاوت در کنزالعمل، ج ۱: ۳۵۶، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۱۶۴، کشف الاسرار، ج ۸، ص ۴۴۰، تمہیدات، ص ۲۳۱، و حلیةالاولیاء، ج ۷، ص ۲۰۴ نقل شده است.

۷- در لغتنامه دهخدا به نقل از تاریخ گزیده و ریحانه‌الادب آمده است: «مشاد دینوری، عارف و زاهد، از خلفای جنید بغدادی است و به سال ۲۹۸ ق. در گذشته است. از سخنان او در سذکرةالاولیاء و نفحاتالانس نقل شده است». در کشف الاسرار، ج ۳، ص ۱۰۶ و ج ۶، ص ۹۰، نیز سخنانی از وی آمده است.

منابع

- احمد، سید ضمیرالدین. (۱۹۹۴م). مخدوم شرف الدین احمد یحیی منیری. احوال و افکار. خدابخش اورینتل پلیک لا ییری. پتنا. هند.
- احمد، ظهورالدین. (۱۹۷۷م). پاکستان میں فارسی ادب [ادب فارسی در پاکستان]. لاهور: دانشگاه پنجاب.
- بدخشنانی، میرزا مقبول بیک. (۱۹۷۱م). تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند. لاهور: دانشگاه پنجاب. ج ۱۳.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف. (۱۳۴۲ش). برهان قاطع. به اهتمام دکتر محمد معین. نشر ابن سینا. چاپ دوم.
- حاجی خلیفه، کاتب چلبی (افندی، مصطفی). (قرن ۱۱ هجری). کشف الطنون عن اسامی الكتب والفنون. (جلد چهارم).
- دیران، حکیمه. (۱۳۸۵ش). [مصحح] شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی. تألیف ابراهیم قوام فاروقی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی.

- دهخدا، علی‌اکبر. *لغت‌نامه*. (۱۳۷۳ش). زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. دوره جدید. چاپ اول.
- سرهندي، شيخ احمد. (۱۹۸۴م.). انتخاب مكتوبات. ترتیب و مقدمة دکتر فضل الرحمن. لاهور: انتشارات اقبال آکادمی. طبع دوم.
- شبلي نعماني، محمد. (۱۳۳۹ش). *شعر العجم*. ترجمة سید محمد تقی فخر داعی گilanی. تهران: نشر ابن سينا.
- شهریار نقوی، با حیدر. (۱۳۴۱ش). *فرهنگ نویسی فارسی در هند و پاکستان*. اداره کل نگارش فرهنگ.
- صفا، ذیح‌الله. (۱۳۴۱ش). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: انتشارات ابن سينا. چاپخانه دانشگاه جلد سوم.
- عاشق، شیخ‌زاده. (۱۳۷۴ش. / ۱۹۹۵م.). *فرهنگ لسان الشعرا* (۷۵۳ - ۷۹۰). ترتیب و تصحیح پروفسور نذیر احمد. هند. دهلی نو: انتشارات رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.
- فیضی سرهندي، الله داد. (۱۳۳۷ه. ش). *مدارالافالضل*. به اهتمام دکتر محمد باقر. لاهور: انتشارات دانشگاه پنجاب.
- قاسمی شمسی، ابوالکلام. (۱۹۹۵م.). *تذکرة علمای بهار*. دهلی: جامعه اسلامیه قاسمیه.
- مطیع‌الامام، (۱۳۷۲هش. ۱۹۱۱). دکتر سید شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی منیری و سهم او در نشر متصوّفات فارسی. اسلام‌آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- منیری، شیخ شرف‌الدین یحیی (۱۸۸۵م.). مکتوبات. چاپ سنگی - هند: مطبع نول کشور. [نام اصلی نویسنده، احمد بن یحیی صحیح است].
- منیری، شیخ شرف‌الدین احمد بن یحیی. (۱۹۱۱م.). مکتوبات. مطبع نول کشور.
- مهر نور، محمد خان. (۱۳۷۵). «نفوذ و رواج تذکره‌الاولیاء عطار در سرزمین پاکستان». *فصلنامه دانش*. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ش ۴۶.

میدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۶۱). *کشف الاسرار و علّه الابرار*. تهران: نشر امیر کبیر.

چاپ چهارم.

هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۷۴ ش). *کشف المحبوب*. به کوشش دکتر

محمد حسین تسبیحی. اسلام آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

هدایت، رضا قلیخان. (۱۳۴۴ق). *ریاض العارفین*. به کوشش مهر علی گرگانی. تهران:

انتشارات محمودی.

Rizvi S, A. (1983). *A History of Sufism in India*. New Delhi.

Rieu, Charles. (1966). *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum (UK)* Oxford, (Persian Dictionaries)